

برای رفتن به تیم‌های بزرگ عجله ندارم

# ژابی آلونسو: توپ طلای مربیگری را به کلوپ می‌دهم

ترجمه:

آرمن ساروخانیان

هنوز تمرین تیم اصلی رئال سوسیداد شروع نشده که ژابی آلونسو ۳۸ ساله به سمت زمین تمرین شماره شش باشگاه در حرکت است. قهرمان سابق جهان با ۱۱۴ بازی ملی برای اسپانیا به شاگردانش در تیم ذخیره‌ها می‌پیوندد که در «سگوندا B»، دسته سوم فوتبال این کشور بازی می‌کنند. این هافبک پیشین سابقه دو بار قهرمانی در لیگ قهرمانان (۲۰۰۵ و ۲۰۱۴) و پوشیدن پیراهن لیورپول، رئال مادرید و بایرن مونیخ را دارد و مدتی است که مربیگری را شروع کرده. پس از یک سال کار کردن با تیم زیر ۱۳ ساله‌های رئال مادرید، او به شهر سان سباستین برگشته، باشگاهی که فوتبالش را در آنجا شروع کرد تا نخستین قدم‌های جدی‌اش در مربیگری را بردارد. کسی که به عنوان «بازیکن باهوش» شهرت داشت و همه تقدیری جز نشستن روی نیمکت تیم‌های بزرگ برایش متصور نیستند.

نشریه «کیپ» گفت‌وگوی جالبی با ژابی آلونسو دارد؛ کسی که گزینه اصلی جانشینی آرتتا روی نیمکت منچستر سیتی بود، ولی دستگیری

گواردیولا را رد کرد تا به هدایت تیم ذخیره‌های رئال سوسیداد ادامه بدهد، چرا که می‌خواهد در دنیای مربیگری پله به پله پیش برود.

■ ■ ■

از چه زمانی متوجه شدید که می‌خواهید مربی شوید؟

■ از وقتی که فوتبال را کنار گذاشتم. وقتی بازی می‌کردم هنوز تردید داشتم که به این کار علاقه‌مند باشم. در دوران فوتبال هم تلاش می‌کردم بفهمم، عملکردم را آنالیز کنم، چه قبل از بازی چه حین آن و چه بعد از آن. ولی بعد از خداحافظی بود که واقعا فهمیدم وارد این عرصه می‌شوم و به جمله یوهان کرویف رسیدم: «زیباترین چیز فوتبال بازی کردن است؛ و دومی مربیگری.»

در دوره بازیگری نکته‌برداری هم می‌کردید؟

■ بله. در خانه دفترچه‌های زیادی دارم. برای اینکه فراموش نکنم، نکاتی را که به نظرم مهم بود یادداشت می‌کردم: حرف‌های مربیان. جملاتی درباره بازی یا ذهن بازیکنان. می‌دانستم که دوره حضورم در فوتبال طولانی‌تر از دوران بازیگری‌ام خواهد بود و قطعا از این نکات استفاده می‌کنم.

بهار گذشته شما در دوره آموزشی دو ماهه‌ای شرکت کردید که از سوی فدراسیون

فوتبال اسپانیا برای مربیان آینده برگزار شد. ژاوی، ویکتور والدس، رائول و لودویک ژولی هم در این دوره حضور داشتند. بحث‌های شما چه بود؟

■ صحبت‌های خیلی زیادی بود. هر کسی نگاه و درک خودش از فوتبال را داشت. درباره سیستم‌های بازی، پرسینگ را از کجا شروع کنیم، بازیسازی را چطور شروع کنیم... نکته مثبت این بحث‌ها در آنجاست که پایانی ندارد. شما همیشه می‌توانید سر نخ را بگیرید و دنبال کنید. و این اتفاق معمولاً در کلاس رخ می‌داد.

درباره این بحث‌ها اتفاق نظر نداشتید؟

■ نه، نه! البته که نه. روی موارد محدودی هم نظر بودیم. بحث‌های خیلی زیادی شکل می‌گرفت.

قبل از گذراندن این دوره یک فصل زیر ۱۳ ساله‌های رئال مادرید را هدایت می‌کردید. چه چیزی یاد گرفتید؟

■ من با بچه‌ها شروع کردم، ولی تفاوتی با بازیکنان بزرگ ندارد. فقط باید تلاش کنید خودتان را در سطح آنها قرار دهید و گفت‌وگوی‌تان به سبک دیگری باشد. در شروع نمی‌دانید که چه اتفاقی قرار است بیفتد، ولی من وارد این بازی شدم. دیگر نمی‌توانید آن را از ذهن‌تان خارج کنید و با خودتان می‌گویید: «چقدر این

کار را دوست دارم!» می‌بینید که روز به روز، با تکرار تمرینات، توضیحات و اصلاح حرکات آنها، ذره ذره یاد می‌گیرند. مربیگری یعنی همین.

پس در مربیگری، کودکان با بزرگسالان فرقی ندارند؟

■ نه، چه ۱۵ ساله باشند چه ۲۵ ساله باید بتوانید نظرشان را جلب کنید. گروه بازیکنان باهوشند. تو را محک می‌زنند، ممکن است حرفت را قبول کنند یا نکنند. اعتباری که کارنامه بازی شما برای‌تان می‌آورد، در نهایت یک یا دو هفته دوام دارد.

به عنوان مربی دوست دارید روزی درباره سبک ژابی آلونسو صحبت کنند؟

■ داشتن یک برچسب، نه. مهم برایم احساسی است که بازیکنانم دارند. این نکته‌ای است که به آنها می‌گویم. اگر من چیزی را احساس کنم و بازیکنانم نه، ایده‌های من به دردی نمی‌خورد، باید تغییر کنم و در خدمت آنها باشم. هدفم این است که برای آماده شدن تلاش زیادی نکنند، بلکه طوری آموزش ببینند که به طور طبیعی آماده باشند. از نظر نقشه بازی، می‌خواهم که تیم من ابتکار عمل را در دست داشته باشد، اکتیو بازی کند نه ری‌اکتیو.

چه جمله‌ای را بیشتر برای بازیکنان‌تان تکرار می‌کنید؟

“

در طول هفته مربیان تلاش می‌کنند آنچه در جریان بازی ممکن است رخ بدهد را پیش‌بینی کنند. آنها هر بازی را در قالب نبرد کوچکی می‌بینند و با بردن این نبردهای کوچک است که می‌توانید برنده نبرد بزرگ باشید. فوتبال بیش از هر زمانی پیچیده شده. ما ماکرو فوتبال و میکرو فوتبال داریم. ما بیش از هر زمانی به سمت میکرو فوتبال در حرکتیم.

